**بســـــــم الله الرحمن الرحیم**

رسالة الانسان قبل الدنيا

الرسائل التوحيدية، ص: 164

و ظواهر الكتاب و السنة تدل على ما مرّ قال تعالى: أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِين‏ (اعراف/54)

* ***ادامه بحث:***
* مبتنی بر بحث نظامات سابق و با توجه به بحث معروف اصولی إطلاق اللفظ وإرادة نوعه أو صنفه أو مثله أو شخصه[[1]](#footnote-1) می‌توان فرض انتقال مستقیم از الفاظ به مصادیق را مطرح کرد و الله العالم.
* ادراک معانی از الفاظ نیز نوعی تبانی عقلائی است و مانند همه تشریعات عقلا برای هدف تدبیر اعتباریات فیما بین است. ملازمه بیّن، موجب تحقق مدلولی لفظی است خارج از مدلول مطابقی که به آن مدلول التزامی می‌گویند و این برای مفرد یا جمله ثابت است مانند مثال معروف دلالت چای بر قند[[2]](#footnote-2) یا مفهوم شرط.
* مستند اثبات این ملازمات تبادر است یعنی اینکه پدر بر پسرش احتجاج می‌کند که هر کس جای تو بود می‌فهمید که باید همراه چای، قند بیاورد.
* نتیجه ملاحظه لوازم گاهی توسعه در مفهوم مراد است (مثال چای) و گاهی تعیین موضوع‌له واقعی لفظ است که منجر به توسعه از مصادیق مأنوس می‌شود (مثال چراغ) و گاهی تجرید معنای مستعمل‌فیه از لوازم مأنوس (مثال خلق). اصطلاح مدلول التزامی اختصاص به اولی دارد.
* استظهار، لازم بیّن، دلالت
1. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 14 [↑](#footnote-ref-1)
2. ##  . صحیح این است که در این مثال معروف لفظ چای دلالت بر قند نکرده است بلکه جمله «چای بیاور» بر جمله «قند بیاور» دلالت کرده است و چون فارق این دو جمله در لفظ چای و قند بوده گمان رفته که این دو دال و مدلول اند. برای دلالت التزامی مفرد شاید مثال لفظ آتش بر مفهوم حرارت و لفظ جهنم بر مفهوم آتش بهتر باشد فتأمل.

## ممکن است گفته شود که این مدلول در اصطلاح قوم نه منطوق است و نه مفهوم موافقه و نه مفهوم مخالفه و جزو دلالت اقتضا یا تنبیه نیز نیست. پاسخ این است که برهانی بر حصر مدلول در این موارد نیست. تعدید این موارد در عداد دلالات سیاقیه مناسب است.

 [↑](#footnote-ref-2)